

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولايه اميرالمومنين عليه السلام و اولادهم المعصومين عليهم السلام يا على مددى

استاد گرانقدر اظهار حب على عليه السلام در شب عيد غدیر را هديه می کنم به شما و لطفی که خداوند رحمان بواسطه کلام شما به ما رسانید عیدتان مبارک. نمی دانم واقعا چگونه می توانیم با این زبان الکن و قاصر فقط شکر همین یک نعمت یا على گفتن و از على گفتن و دل به على دادن و ... را به جا بیاوریم لذا همون طور که به ما یاد داده اند با همه نفهمی وجودمان با زبان جانمان اقرار می کنیم «الحمد لله الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولايه اميرالمومنين عليه السلام و اولادهم المعصومين عليهم السلام» خداوندا یا رب العالمين ای مهربانترین مهربانان تو شاهد باش ما به اندازه فهم ناقصمان به اندازه قلب کوچکمان دیدیم و فهمیدیم حب على عليه السلام و اولادش در جانمان مستولی است. «همه عمر بردارم سر از این خمار مستی / که من از ازل نبودم که تو در دلم نشستی». نفهمیدیم کی عاشق شدیم اما مزه عشق اصیل را با نام *على* چشیدیم با ایوان نجف از خود بیخود شدیم و عاشقانه منتظر دیدار مولایمان در آخرین لحظه حیات این دنیا و لحظه عروج به سوی تو هستیم به جانمان نشاندی که همه زندگی در غدیر تعریف شده و همه زندگی مان یعنی حرکت زیر سایه ولایت مولا تنظیم عقربه زندگی و تصمیم هایمان بر اراده و حب مولا ولایت ولی یعنی او افق حقیقی انسانیت ابدی ماست و نگاه و توجه ما به او یعنی بیعت آن به آن با غدیر، حال که ما ندانسته و نفهمیده و سراپا سیاه و شرمسار خود را در بیکرانه الطاف بی پایان حب على عليه السلام در عالم دیدیم به همان حب على که بند بند وجودمان را با آن بستی ما را عاشق صادق ولایت امام زمان عج قرار بده، عاشقانه برای کسب لبخند رضایت مولای غریب بکوشیم و بالاترین عیدی ما را ندای خطاب جانانه خودت به جانمان قرار بده، «یا ایتها النفس المطمینه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی» به برکت حب على عليه السلام عيد عشقبازی اصیل بشریت با واسطه عاشق صادق حضرت حق به سوی معبود بی کران بر عاشقان مبارک

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتاً راز بزرگداشت «غدیر» را به خوبی بیان فرمودید تا هرکس از محبتین مولایمان به خود آید که راستی را! چه در درون ما گذشته است که در نسبت با امام المتقین این همه یگانگی احساس می کنیم و اگر باز به «غدیر» و باز به نظر به مولایمان به خود می آیم، قصه آن است

که متوجه بد حادثه شده‌ایم که چگونه روزمرگی‌ها ما را به بازی گرفته است. این‌جا است که در همراهی با جناب حافظ خواهیم گفت:

ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم

از بد حادثه این جا به پناه آمده‌ایم

ره رو منزل عشقیم و ز سرحد عدم

تا به اقلیم وجود این همه راه آمده‌ایم

سبزه خط تو دیدیم و ز بستان بهشت

به طلبکاری این مهرگیاه آمده‌ایم

با چنین گنج که شد خازن او روح امین

به گدایی به در خانه شاه آمده‌ایم

و این یعنی ما با «غدیر» حقیقتِ انسانی ابدی خودمان را می‌چشیم و این همان زندگی است که با حبّ علی «علیه‌السلام» تجربه می‌کنیم. و این ابتدای راه است، راهی که تنها در تاریخ انقلاب اسلامی، امروز معانی خاص خود را به میان آورده. موفق باشید